پژوهش دینی

Pazhouhesh Dini

شمارهٔ ۴۲، بهار و تابستان ۱۴۰۰
صص ۱۲۹ـ۱۰۷ (مقاله پژوهشی)

No. 42, Spring & Summer 2021

بررسی تطبیقی آیات الجنّه مکّی و مدنی از حیث ساختار و مضمون

فاطمه دست‌رنج[۱]، علیرضا طبیبی[۲]

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۹/۱۸ ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۱۱/۱۴)

چکیده

در اندیشهٔ دینی، «جنّت» جایگاه ابدی نیکوکاران و کانون نعمات الهی است، لذا واکاوی گزاره‌های قرآنی در توصیف بهشت و نیز ابعاد فرازمانی و فرامکانی قرآن کریم در این حوزه، ضرورتی غیر قابل انکار است. این نوشتار با روش توصیفی – تحلیلی درصدد بررسی آیات‌الجنّه در سوره‌های مکّی و مدنی است. نتایج این پژوهش در دو بُعد ساختاری و مضمونی، حاکی از آن است که در بُعد ساختاری، سطح آوایی آیات الجنّه مکّی از نظم آهنگ بیشتری برخوردار است. «انذار و تبشیر» و توصیف معاد، محور اصلی سوره‌های مکّی است لذا لحنها و ریتمهای آیات، مخاطب را در درک بهتر صحنه‌های قیامت تهییج می‌کند. در بُعد مضمونی، توصیف نعمات مادی در آیات‌الجنّه مکّی، فراوانی و تکرار بیشتری دارد. اما در آیات الجنّه مدنی نمود ابعاد معنوی بیشتر است و واژگان مشترک در آیات‌الجنّه مدنی که حلقه اتصالی را میان سور مختلف برقرار کرده دلیلی برای کشف مفاهیم مشترک سور و بیانگر شرایط و لوازم ورود به بهشت است. قرآن ویژگی های‌متعدد بهشت و امور مختلف مربوط به زمان‌ها و مکان‌های گوناگون را در نظام و چهارچوبی ترسیم کرده که پس از تأمل درباره موضوع‌های متعدد می‌توان به وحدت موضوعی آیات‌الجنّه رسید. آوا و موسیقی آیات الجنّه، متناسب با سیاق معنی و مضامین سخن و اوضاع و مقتضیات مربوط به سخن دگرگون می‌شوند و به این ترتیب رابطه دقیقی بین مضامین و ساختار آیات الجنّه حاکم است. هماهنگی آیات‌الجنّه با شرایط مخاطبان، وجهی از اعجاز بلاغی قرآن است که با کاربست الفاظ و تعابیر مردم عصر نزول و بدون تأثیرپذیری از فرهنگ آنان، بُعد فرا زمانی یافته و از مرز واقع‌گویی خارج نشده است.

کلید واژه‌ها: آیات الجنه، مکی، مدنی، سطوح ساختاری، مضمون.

---

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اراک، (نویسندهٔ مسئول)؛ F-dastranj@araku.ac.ir
۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اراک؛ a-tabibi@araku.ac.ir

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.4.1]

۱. مقدمه و بیان مسأله

قرآن، در کنار تأکید بر پایان یافتن این جهان و وقوع رستاخیز و ادامه زندگی انسانها در عالمی دیگر، در یک تقسیم‌بندی کلّی سعید و شقی، از جای زیست افراد سعید با تعبیرات گوناگون و غالباً متضمن اوصاف اصلی آن، یاد می‌کند. جنّت و جمع آن جنّات با بسامد بیش از صد بار که گاه به واژه‌ای اضافه یا با صفاتی چون: جنّه‌الخلد، جنّه نعیمٍ/ النعیم، جنّات‌النعیم، جنّه‌المأوی، جنّات‌المأوی، جنّه عالیه، جنّات‌الفردوس، قرین شده مجموعه تعابیر قرآن دربارهٔ بهشت و اوصاف آن است.

لذا نوشتار حاضردر صدد است با مقایسه آیات‌الجنّه در سوره‌های مکّی و مدنی، میزان ارتباط و هماهنگی آیات را بررسی و دلائل اختلافات احتمالی را مشخص نموده و با روش توصیفی – تحلیلی به این پرسش پاسخ دهد که که آیات‌الجنّه در سوره‌های مکّی و مدنی از چه ویژگی‌های ساختاری ومضمونی برخوردار است؟

لازم به ذکر است پژوهش‌های انجام شده در رابطه با بهشت و مراتب مختلف آن، حوزه‌ای بسیار گسترده دارد، مانند مقالهٔ «نشانه شناسی نمادهای بهشت در قرآن کریم» نوشتهٔ علی اصغر محکی و راضیه سوزن چی کاشانی، که در آن با استفاده از دانش نشانه‌شناسی، نمادهای بهشت در قرآن کریم مورد بررسی قرار گرفته‌اند و مقالهٔ «تصویرپردازی هنری آیات بهشت و جهنم در قرآن کریم» اثر رسول بلاوی و محمد غفوری‌فر ومیثاق اطاقی که در آن،کارکرد تصویرپردازی قرآن کریم را با تاکید بر آیات بهشت وجهنم بر مخاطبان تحلیل می‌کند. اما رویکرد این مقاله آیات‌الجنّه بوده و لذا از نوآوری‌های این نوشتار بحث تفکیک آیات‌الجنّه در دو بخش مکّی و مدنی و نیز بررسی ساختارها و مضامین آیات است.

۲. مفهوم شناسی آیات‌الجنّه و کاربست آن در قرآن

محل زندگی اتقیاء در قیامت به لفظ جنّت و جنّات تعبیر شده است. (قرشی، ۷۴/۲) جنّت،

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.4.1]

مشتق از اجتنان به معنای پوشیدگی است. لذا بهشت بدلیل فراوانی و تراکم درختانش بـه جنّـت نامگذاری شده است. (فراهیدی، ۶/ ۲۲، ابن‌منظور، ۱۰۰/۱۳؛ ابن‌فارس، ۱/ ۴۲۱)

آیات‌الجنّه یک ترکیب اضافی است، مضامین این آیات اوصاف جنت (جنـات)، شـامل مشخصه اصلی و اندازه و گستره و مکان، شماره جنت‌ها، انواع نعمت‌های جنـت، اوصـاف ثبوتی و سلبی نعمت‌ها و اشیای موجود در جنت، غرض از آفـرینش جنّـت، اهـل جنّـت، صفات و ملکات و کارهایی که انسانها را شایسته جنّت می‌کند و نیز مناسبات ساکنان جنّت با یکدیگر را ترسیم می‌کند.

واژه «جنّت»، ۹۰ مورد، در ۴۶ سوره مکی، در۸۹ آیه و ۵۷ مورد، در ۱۹ سوره مـدنی، در ۵۴ آیه تکرار شده است. در ۴ آیه از سوره‌های مکی و مدنی، ۲ بار کلمه جنّت تکـرار شده است (سبأ، ۱۶؛ الحشر، ۲۰؛ الصـف، ۱۲؛ التوبـه، ۷۲). در مجمـوع، واژه جنّـت، ۱۴۷ مورد می‌باشد که در ۱۴۳ آیه آمده است. (زنجانی، ۲۵؛ رامیار، ۶۱۲؛ حجتـی، ۷۷، فـائز، ۱۳۰) در آیه (التوبه، ۱۰۰)، برخلاف آیات دیگر که «جنّات تجری مِن تحتها الأنهار» آمـده است، «مِن» ندارد. همچنین در (الشوری، ۲۲)، «رَوضات الجنّات» آمـده و در (الـروم، ۱۵)، کلمه «رَوضه» آمده است.

۳. تحلیل سطوح ساختاری آیات‌الجنّه در سوره‌های مکّی و مدنی

«ساختار»[1] در اصطلاح ادبی به شیوهٔ اتصال میان عناصر و اجزاء سازنده اثر ادبی اطلاق می‌شود که سبب پیوستگی آن می‌شود. (داد، ۲۷۴؛ امامی، ۳۷) تحلیل ساختاری نیز یکی از شیوه‌های جدید برای روشن کردن محتوای اثر ادبی و تناسب آن با ساختار زبانی به شـمار می‌آید. (فقهی‌زاده، ۷۷) قرآن یک متن ادبی منحصر به فرد است و ساختارشناسی به عنوان یک دانش نوین در راستای مطالعات خود، در حقیقت برگرفته از مجموع روابط موجود در اجزاء یک متن است. یافتن تناسب و ارتباط میان آیـات، همـاهنگی کامـل لفـظ و معنـا و موسیقی، تأثیر گذاری کلام خدا را نمایان‌تر می‌کند. (انصاری، شمس‌الدینی، ۱۶۱) در قرآن

1. structure

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.4.1]

به عنوان متن ادبی بی بدیل، سطوح ساختاری مختلفی مانند: سطح آوایی، واژگانی، تصویرپردازی، معنایی و... قابل تحلیل است.

۳-۱. تحلیل و واکاوی سطح آوایی آیات‌الجنّه

نخستین سطح بررسی آثار ادبی، موسیقی و سطح آوایی آنهاست. در این سطح، ارتباط نظام آوایی کلمات حروف و فواصل در نثر و اوزان در شعر و معانی آنها بررسی می‌شود. (رمانی، ۸۸) نظم آهنگ قرآن در نتیجه نظام‌مندی ویژه و هماهنگی حروف در یک کلمه و نیز همسازی الفاظ در یک فاصله پدید آمده و از این جهت قرآن، هم ویژگی نثر و هم خصوصیات شعر را با هم دارد؛ با این برتری که معانی و بیان در قرآن، آن را از قید و بندهای قافیه و افاعیل بی‌نیاز ساخته (سید قطب، الف، ۱۸/۱) و آوای حروف واژگان آن با معنایی که در جان مخاطب جای می‌دهد هماهنگ است. (معرفت، ۲۲۲/۵) زیبایی و نظم آهنگ لفظی قرآن بی‌ارتباط با معانی نیست، بلکه متغیرهای فونتیک هجایی و آوایی با متغیرهای سمانتیک و معنایی همراه است (باقری، ۱۸۳). حرکت، سکون و فواصل و آوا و موسیقی آیات، متناسب با سیاق معنی و مضامین سخن و اوضاع و مقتضیات مربوط به سخن دگرگون می‌شوند و به این ترتیب رابطه دقیق حاکم است. (قطب، ب، ۱۸۰).

حال با توجه به برخورداری قرآن از سطح آوایی ویژه و نظم آهنگ خاص به بررسی و تحلیل سطح آوایی آیات الجنه در سوره‌های مکی و مدنی، پرداخته می‌شود.

لحنها و ریتمهای مشترک از ویژگی‌های آیات الجنة سور مکی است که هدف آن بیان صحنه های قیامت است به گونه‌ای که مخاطب را در درک بهتر آن صحنه‌ها تهییج می‌کند. واکه های کوتاه، پی‌درپی و پرهیز از کاربرد فراوان واکه‌های بلند سبب شده تا ریتم آیات تند و سریع گردد و ضرب آهنگ کلمات به گونه‌ای است که جوّی از هیجان و اشتیاق را می‌آفریند. (طالبتاش، ۱۶۳) در واقع آیات‌الجنّه مکّی از نوعی توازن آوایی[1] برخوردارند. «توازنی که ناظر بر تکرار یک واج، چند واج درون یک هجا یا کلّ هجا

1. Parallelism Phonic

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.4.1]

است و از تکرار شدن صامت و مصوت در محور همنشینی حاصل می‌شود.» (صفوی، ۱۵۰) که خود سبب ایجاد نوعی موسیقی درونی آیات می‌شود. این توازن علاوه بر کارکرد لفظی؛ یعنی تأثیر در جنبهٔ موسیقایی، کارکردهای محتوایی و معنایی نیز دارد و می‌تواند ما را به معنای پنهان متن برساند.

نمود این نظام آوایی در آیاتِ سوره‌های مکّی این چنین است: «**إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَ نَهَرٍ**» (القمر،۵۴) «**فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُقْتَدِرٍ**» (القمر، ۵۵) که به دلیل رعایت فاصله آیات، «نَهَر» به جای أنهار آمده است و در عبارت به اسم جنس بسنده شده است. (زمخشری، ۵۳۹/۴)

در سوره قمرکه تقریبا در اوایل نزول سور مکی است (رامیار، ۳۴۶) تمام آیات‌الجنه به حرف «راء» ختم شده‌اند و آهنگین بوده و شدت لحن بیشتری دارند.

«**وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّى إِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ * وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ * وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِّينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ**» (الزمر، ۷۵)

آیات سورهٔ زمر که تقریبا در اواسط نزول سور مکی است (رامیار، ۳۵۶) تمام آیات آهنگین هستند و شدت لحن دارند و به حرف «ین» ختم شده‌اند ولی نسبت به سوره قمر از آهنگ و شدت لحن کمتری برخوردار هستند. علاوه بر این وجه تصویر پردازی در آیات سورهٔ قمر نیز بیشتر احساس می‌شود و صحنه‌های ترسیم شده برای مخاطبان، نمود بیشتری دارد. (قطب، ۹۴-۹۵)

از آنجا که سجع در نثر، همانند قافیه در شعر است (سکاکی، ۶۷۲) به سبب همین ویژگی، قرآن کریم ذاتاً آهنگین است و این ویژگی به صورت ویژه در سوره‌های مکّی وجود دارد (میر، ۳۳). سجع متوازی از انواع اثرگذار سجع است که در آن، کلمات در وزن و فاصله هر دو متّفق‌اند (سیوطی، ۳۲۸/۲) در سوره الواقعه، آیات یکم تا سوم،

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.4.1]

هشتم تا دهم، پانزدهم و سی و دوم تا سی‌وچهارم، دارای فاصله‌های واحد هستند که همگی به تاء ختم می‌شوند. ساختار سور مکّی از جهت فاصله‌ها به گونه‌ای است که نظماهنگی کاملاً منسجم و سجع، ساختار مشابهی با آیات پیشین دارد. این نوع سجع که آهنگین‌ترین و زیباترین نوع سجع است بسامد بسیار بالایی در سور مکّی دارد (هاشمی، ۴۰۴) و با محتوای آیات تناسب داشته و تصویری را از آن روز ترسیم می‌کند. در حقیقت قرآن برای پیشتازان میدان توحید، درجه ویژه قائل شده، در آیات فراوانی مراتب خرسندی و شادمانی خود را از آنان ابراز داشته است. (جوادی آملی، ۵/ ۲۵۷)

غالباً سوره‌های مکی از ویژگی سجع کوتاه برخوردار هستند که نوعی موسیقی و آهنگ را برای این سور به وجود آورده که به جذابیت آیات افزوده است (التکویر، ۱۰-۱۴). سجع میانه نیز در آیات‌الجنه مکّی مشهود است مانند: «**وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ * أُولَئِکَ الْمُقَرَّبُونَ * فِی جَنَّاتِ النَّعِیمِ * ثُلَّةٌ مِنَ الْأَوَّلِینَ * وَقَلِیلٌ مِنَ الْآخِرِینَ**» (الواقعه، ۱۰ـ۱۴)

سجع و فاصله آیات، تصویرهای کامل از ابعادی است که جمله‌های موسیقیایی بدان ختم می‌شوند. این فاصله با نوع صوت و شیوهٔ ادای آن، تناسب بسیار دارد و از جهتی، اغلب این فاصله‌ها با دو حرف نون و میم که هر دو در موسیقی معمول هستند یا با حرف مد پایان می‌گیرند. حکمت این گونه ترکیب‌ها و آوردن چنین حروفی، ایجاد آهنگ است، که نظم خاصی را نیز موجب می‌شود. (سلطانی، ۱۲) به عنوان نمونه می‌توان به آیات سوره طه «**وَ مَنْ یأْتِهِ مُؤْمِناً قَدْ عَمِلَ الصَّالِحاتِ فَأُولئِک لَهُمُ الدَّرَجاتُ الْعُلی * جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْری مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ خالِدینَ فیها وَ ذلِک جَزاءُ مَنْ تَزَکی**» (طه، ۷۵-۷۶) و مریم «**إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِکَ یَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا یُظْلَمُونَ شَیْئًا * جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِی وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ بِالْغَیْبِ إِنَّهُ کَانَ وَعْدُهُ مَأْتِیًّا**» (مریم، ۶۰-۶۱) اشاره کرد.

اگرچه تکرار حروف و واژه‌ها، ترکیب را سنگین و ساختار جمله و کلام را ناهنجار می‌سازد اما در قرآن به کار گرفتن ترکیب‌ها به گونه‌ای است که هرگز این سنگینی و ناهنجاری خود را نشان ندهد و خوش آهنگی و سلامت در اوج خود باقی بماند، آیه «

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.4.1]

وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ * أُولَئِکَ الْمُقَرَّبُونَ» (الواقعه، ۱۰-۱۱) در این آیات ۳ بار حرف «قاف» آمده است اما هرگز آن بار سنگین را بر واژه‌ها نمی‌گذارد، بلکه این آهنگ مطمئن و شور انگیز و دلربا، زاییده این قاف‌ها و تعاقب آنها است که اگر جابجا شوند، درهم‌می‌ریزند. «قاف» از حروف سنگین است که در این آیات، ۳ بار آمده است؛ اما ترکیب آن با دیگر حروف به گونه‌ای است که هیچ سنگینی را بر کلام تحمیل نمی‌کند. این ترکیب به طور کامل آهنگ سهل، روان و خوشخوان آیه را حفظ کرده است. (مهدوی‌راد، ۱۸۳-۱۸۴)

بنابراین بلاغت افزون بر پدید آوردن معانی ارجمند و گزینش الفاظ روشن و استوار، مطلبی دیگر را نیز در بردارد و آن پی‌ریختن روش‌هایی برای پیوند معانی آن الفاظ است؛ در حقیقت قرآن مراتب رضایت الهی را برای پیشتازان میدان توحید در چنین قالب‌هایی ابراز داشته است. (جوادی آملی، ۲۵۷/۵) و مطابقت کلام با مقتضای حال و بلندای معانی و فرازمندی الفاظ در نهایت اتقان و هماهنگی است.

در مدینه سوره‌ها معمولا طولانی‌تر است. به طور مثال در آیهٔ «وَبَشِّرِ الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ کُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِی رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأُتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِیهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِیهَا خَالِدُونَ» (البقره، ۲۵) این آیه به «خالدون» ختم می‌شود. که در درجه پایین‌تری از نظم آهنگ قرار دارد و شدت لحن هم خیلی کمتر است. این در حالی است که سوره بقره در ترتیب نزول اولین سوره مدنی است. (رامیار، ۵۸۳) اما در سورهٔ توبه[1] که تقریبا در اواخر نزول سوره‌های مدنی قرار دارد (همانجا، ۵۹۴) آیات الجنه معمولا به «یم» ختم می‌شوند که نسبت به «ون» و «ین» در درجه پایین‌تری از نظم آهنگ قرار دارند. از آنجا که استفاده از

---

۱. «یُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَهُمْ فِیهَا نَعِیمٌ مُقِیمٌ» (توبه، ۲۱)، «وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِینَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِینَ فِیهَا وَمَسَاکِنَ طَیِّبَةً فِی جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَکْبَرُ ذَلِکَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِیمُ» (توبه، ۷۲)، «أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِینَ فِیهَا ذَلِکَ الْفَوْزُ الْعَظِیمُ» (توبه، ۸۹)، «وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِی تَحْتَهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِینَ فِیهَا أَبَدًا ذَلِکَ الْفَوْزُ الْعَظِیمُ» (توبه، ۱۰۰)، «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَی مِنَ الْمُؤْمِنِینَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ یُقَاتِلُونَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ فَیَقْتُلُونَ وَیُقْتَلُونَ وَعْدًا عَلَیْهِ حَقًّا فِی التَّوْرَاةِ وَالْإِنْجِیلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَی بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَیْعِکُمُ الَّذِی بَایَعْتُمْ بِهِ وَذَلِکَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِیمُ» (توبه، ۱۱۱)

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.4.1]

عنصر آوا و آهنگ برای انتقال کلام سبب تاثی بیشتر متن می‌شود. نظماهنگ حاکم برآیات قرآن حاکی از آن است که قرآن این ویژگی را همانند یک گفتار و خطابه در سطح افقی نیز حمل کرده است. الفاظ و حروف قرآن به گونه ای است که هیچ یک از آنها را نمی توان برداشت یا جابجاکرد به طوری که در معانی تغییری ایجاد نشود. (بنت الشاطی، ۲۶۵)

چون سجع بلند از ویژگی های آیات الجنه مدنی است. مانند: «**وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأُتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ**» (البقره، ۲۵) بنابراین در این قبیل آیات محتوا و مضمون کلام محوریّت داشته و تأکید بر عوامل و زمینه‌های بهره‌مندی از نعمات بهشتی است. گو اینکه در دوران مکّی شرح مفصلی از ویژگی‌های بهشت و بهشتیان ارائه شده و تصویر سازی لازم برای درک بهتر جایگاه نیکان صورت گرفته است. اکنون لازم است عبارتی کلیدی در فرازهای مختلف سُوَر، یادآور منزلگه بهشتیان باشد، سجع بلند، منسجم و هماهنگ «**جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ**» در این راستا می‌تواند تحلیل شود.

به‌طور کلّی می‌توان بیان داشت که ساختار ظاهری آیات‌الجنّه مکّی، مناسبت بیشتری با نمایان سازی بُعد اعجاز ادبی وبلاغی قرآن دارد و این یک ضرورت در محیط مکّی بوده و در مدینه با رفع این ضرورت، سیاق ظاهری آیات‌الجنّه متمایل به نثر مرسل و طولانی در مقابل نثر مسجع وآهنگین مکّه شده است.

۳-۲. تحلیل و واکاوی سطح واژگانی آیات الجنّه

یکی دیگر از سطوح ساختاری، سطح واژگانی است. واژگان اهمیت خاصی در زبان دارند، بنابراین گزینش واژگان درون یک ساختار نظام‌مند با دیگر عناصر آن تناسب کامل دارد و هر گونه تغییر یا جایگزینی باعث خدشه وارد شدن به معنا و پیام آن خواهد شد. (اخلاقی، ۵۲) در حقیقت، سازمانبندی معنا به واسطهٔ عمل واژگان صورت می‌گیرد. (مهاجر

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.4.1]

و نبـوی، ۳۵) زیرا کاربردهای مجازی و استعاری که نوعی جابجایی در محـور جانشـینی زبان است، در سطح واژگانی مورد بررسی قرار می‌گیرد و بررسی واژگـان محـوری و پـر بسامد متن ادبی نیز در سطح واژگانی گنجانده می‌شود. (انصاری، شمس‌الدینی، ۱۶۶) لذا از برجسته‌ترین ویژگی‌های سبک بیانی قران کـریم، شـکوهی اسـت کـه از انتخـاب واژگـان حاصل می‌شود. گاه نیز برخی از واژگان از مرز حقیقی خود گذشته و دلالت‌های رمزی بر خود می‌گیرند تا با بار خاصی از معنا تبلور یابند. مثلاً در آیات انتهایی سوره فجر «**يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ**» چنین ویژگی متجلّی است (زمخشری، ۹۳۸/۴) در حقیقت در این آیـات، نوعی انسجام لغوی، مشهود است که می‌توان گفت از نـوع بـازآیی[1] اسـت بـه نحـوی کـه عناصری از یـک آیه در آیه‌هـای بعـد از آن تکـرار می‌شود کـه در ارتبـاط بـا تـوازن و موسیقی متن است.

در نظام واژگانی قرآن، واژگان به گونه‌ای ترکیب شده‌اند که اصوات آن هماهنگ بوده و بافت موسیقیایی موزونی را بوجود آورده‌اند. در این نظام گاه حرکات یک کلمه بـه تنهـایی دشوار و ناخوشایند است اما زمانی که در قرآن بکـار مـی‌رود صـداها و حـروف پیشـین، زمینه‌ای را فراهم می‌سازند که آن واژه در جای خود لطیف و دلنشـین بـه نظـر مـی‌رسـد. (معرفت، ۱۵۲/۵) سیوطی تناسب در آیات و مانند آنها را همان معنایی می‌داند کـه باعـث ارتباط میان آنها می‌شود. (سیوطی، ۲۸۹/۲) برای نمونه، واژه «**نَهَر**» در آیه «**إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِـي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ**» (القمر، ۵۴) به سبب در پی هم آمدن دو فتحه و تفخـیم راء بـر زبـان دشـوار است، اما وقتی در آیه قرار می‌گیرد فضای آیه طوری است که تلفظ فتحه‌ها آسان می‌شـود و این به سبب غنه‌های بکار رفته در «جنات» و «جنات و نهر» است. همچنین در آیـه بعـد «**فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُقْتَدِرٍ**» (القمر، ۵۵)، تلفظ هر یک از واژه‌ها بـه تنهـایی دشـوار است ولی وقتی که در آیه قرار می‌گیرند به سـبب قلقلـه در واژه‌هـای «مقعـد»، «صـدق» و «مقتدر» و غنه‌های بکار رفتـه در «عنـد» و «ملیـک مّقتـدر» بـه راحتـی تلفـظ مـی‌شـوند.

1. Reiteration

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.4.1]

پرهیزکاران کسانی هستند که بـا نافرمـانی از خداونـد خـود را در معـرض هلاکـت قـرار نمی‌دهند و نسبت به کارهای کوچک و بزرگ، از خود حسابرسی کرده و به همین دلیل، از مقربان درگاه خداوند هستند. (مغنیه، ۳۳۶/۷)

مزیت‌های مرتبط با الفاظ، گاه به تک تک حروف، گاه به ترکیب حروف، گاه بـه تـک واژه‌ها و گاه به جملات برمی‌گردد. باید در فصیح بودن لفظ به این چهار جنبه توجه کرد و این همه، در کامل‌ترین صورت خود در قرآن فراهم است. بنابراین فصاحت را باید بـا نظـر به الفاظ، جملات و ارکان تشکیل دهنده آن بررسی کرد. (علوی، ۳/ ۲۱۹-۲۲۰)

از نکات جالب قرآن، گزینش واژه‌های زیبا و گاهی بی بـدیل اسـت. ابـن أبـی الأصـبع مصری (م۶۵۴ه) بابی ویژه با عنوان «باب الفرائد»، در این مبحث گشوده و بیان مـی‌کنـد خـدا میان این اسم‌های گوناگون مواردی را برگزید که ساده‌تر، روان‌تر و شیرین‌تر و زیبـاتر اسـت، او درباره «**يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ**» (غافر، ۱۹) می‌گویـد کـه لفـظ «خائنـة»، بـه تنهایی لفظی آسان، متداول و بر زبان‌ها بسیار جاری است؛ اما چـون بـه «الأعـین» پیوسـت، ترکیب شگفتی را بوجود آورد که شبیه آن را هم نمی‌توان آورد. هیچ مُصنّف آگاه از ادبیات و آشنا با فصاحت کلام، نمی‌تواند این والایی را انکـار کنـد. (علـوی، ۱۱۵/۳-۱۱۶) بنـابراین یکی ازابعاد تحلیل ساختار واژگانی، گزینش بهترین و شایسته‌ترین واژه‌هاست.

همچنین گزینش دقیق ترین مترادف‌ها جنبه دیگری از ساختار واژگـانی اسـت کـه در ساختار جمله، ودر القای مطلب، بیشترین تأثیر را دارد. (جاحظ، ۲۰/۱) نمونه‌های این نوع از زیبایی قرآنی فراوان است. برای مثال: در وصف اصحاب یمین آمـده اسـت: «**فِـي سِـدْرٍ مَخْضُـودٍ * وَ طَلْـحٍ مَنْضُـودٍ * وَ ظِـلٍّ مَمْـدُودٍ * وَ مـاءٍ مَسْـكُوبٍ**» (الواقعـه، ۲۸-۳۱). «مسکوب» به جای «غزیره» آمده که به معنای سرشار است. مسکوب آبـی اسـت کـه هـیچ ممنوعیتی بر رعایت مقدار مصرف در آن نیست، به حدّی که گویا از آن، مفهوم اسـراف بـر می‌آید. (بَدَوی، ۵۵-۵۶)

همچنین آیه «**وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ**

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.4.1]

الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (الاعراف، ۴۲) «لا نکلف نفسا إلّا وسعها»: جمله معترضه‌ای است که واقع شده میان مبتدا [والّذین] و خبر [اولئک] برای تشویق مؤمنان به انجام اعمال شایسته‌ای که در توان آنهاست و منظور از «وسع» توانایی کافی و بدون مشقّت است. (طبرسی، ۱۰۶/۹)

تعبیر «جنات النعیم» در آیه «**إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ**» (القلم، ۳۴) می‌رساند در آن جز برخورداری محض، چیزی نیست و خرمی‌اش با زشتی‌ها از بین نمی‌رود. (زمخشری، ۷۲۴/۴) در بسیاری از آیات قرآن به جای واژه نعمت از نعیم استفاده شده گرچه این دو واژه از یک ماده‌اند، اما دارای تفاوت روشنی با یکدیگر هستند، واژه «نعمت» در۵۳ مورد استعمال قرآنی، خواه به صورت جمع و خواه به صورت مفرد، بر نعمتهای دنیوی، از انواع مختلف آن، دلالت می‌کند؛ امّا واژه «نعیم»، در۱۶ مورد استعمال قرآنی، مربوط به نعمات آخرت است مانند: «**فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ * فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّتُ نَعِيمٍ**» (الواقعه، ۸۹)، «**أَيَطْمَعُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ يُدْخَلَ جَنَّةَ نَعِيمٍ**» (المعارج، ۳۸). آیات دیگری نیز در این مورد وجود دارد. (سلطانی، ۳۴)

بنابراین تأثیر معنایی حروف و چینش آن‌ها را در آیات‌الجنّه نشان می‌دهد که حروف به شکلی بی‌نظیر در کنار هم قرار گرفته‌اند که به هنگام شنیدن، بدون وجود دستگاه‌های موسیقی و بدون وجود قافیه یا وزن و بحر، آهنگ با شکوه و طنین اندازی از آنها به گوش می‌رسد. به عنوان مثال: «**وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ * أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ**» (الواقعه، ۱۰-۱۱) چینش حرف قاف در این آیه نظام آوایی زیبایی را به آیه می‌بخشد یا آنکه در آیه «**فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ * وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ**» (الواقعه، ۸-۹) چینش حرف میم و صاد چنین طنین زیبایی را ایجاد می‌کند.

به‌طورکلی در تحلیل سطح واژگانی آیات‌الجنّه مدنی، این ویژگی مطرح است که قالب واژگانی در اکثر آیات‌الجنّه مدنی، ثابت است و تنوع واژگانی و توصیفات گونه‌گون مشاهده نمی‌گردد و بیشترین واژگانی که در رابطه با آیات‌الجنّه مدنی است وصف «تجری من تحتها الأنهار»، «خلود در بهشت» و «رسیدن به فوز و مقام فائزون» است. مانند، «یَوْمَ

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]
[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.4.1]

تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرَاكُمُ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (الحدید، ۱۲)، «لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ» (الحشر، ۲۰) لذا این تعبیر یا شبیه آن در آیات بسیاری وارد شده است که تکرار آن بیانگر، اهمیت موضوع و توجه خاص قرآن نسبت به آن می‌باشد. (جوادی آملی، ۲۴۹/۵) بنابراین اگرچه تمامی مؤلفه‌های فصاحت، به کمال در قرآن آمده است. (زمخشری، ۴/ ۶۲۱) اما این امر در سور مکّی نمود بیشتری دارد. تأثیر معنایی حروف و چینش آن‌ها را در آیات‌الجنّه نشان می‌دهد که حروف به شکلی بی‌نظیر در کنار هم قرار گرفته‌اند که به هنگام شنیدن، بدون وجود دستگاه‌های موسیقی و بدون وجود قافیه یا وزن و بحر، آهنگ با شکوه و طنین اندازی از آنها به گوش می‌رسد.

۳-۳. سطح تصویر پردازی آیات‌الجنّه

«تصویر» استفاده از کلمات و جملات، با نظمی دقیق و به شیوه‌ای لطیف و هنری است، به‌طوری‌که یک معنا و مفهوم خاص را در قالب حقیقتی، زنده و مجسّم ارائه و ضمن برانگیختن خیال و احساسات مخاطب، فکر و پیام خاصی را نیز به او منتقل کند. (محمد قاسمی، ۱۶۶)

قرآن از تمامی روش‌ها و ابزارها برای حیات بخشیدن به مفاهیم و حقایق بهره می‌جوید و با ترسیم دقیق حقایق در تصاویر و صحنه‌هایی زنده، معقول را محسوس، مخفی را آشکار، غایب را حاضر، دور را نزدیک و مبهم را روشن ساخته است. به گونه‌ای که منظره سمعی برای شنونده، تبدیل به منظره بصری و صحنه‌ای تماشایی می‌گردد. (قطب، ۳۲)

ترسیم و تصویر حقایق معنوی در قالب امری محسوس غالباً ملازمت این دو را به دنبال دارد و هیچ چیز همچون تصاویر محسوس نمی‌تواند در ذهن، تأثیرگذار باشد. (زمخشری، ۴۷۱/۱)

روش تصویرگرایی در قرآن یک اسلوب تفنّنی و محدود نیست. برای تصویر سازی صحنه‌ها و جذابیت بخشی به آنها، انتقال از صحنه‌ای به صحنه دیگر، یا از زمانی به زمان

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.4.1]

دیگر، یا انتقال از شیوه حکایت به خطاب، یا از غیبت به حضور، یا حذف برخی کلمات و مانند آنهاست. (محمد قاسمی، ۱۷۳)

در آیات الجنّه، نوعی روایتگری هم مشهود است و با عنایت با اینکه روایت عمدتاً یا درصدد انتقال تصویری از یک بافت یا درصدد برانگیختن واکنشی در مخاطب است (اسکولز، ۱۳۵) لذا می‌توان گفت این ساختار بیانی آیات‌الجنّه، ناظر به هردو جنبه است.

با توجه به مطالب فوق اکنون به بررسی سطح تصویر پردازی در آیات الجنه سور مکی و مدنی می‌پردازیم تا عمق این رویکرد هنری را واکاوی کنیم.

سُور مکّی، غالبا در صدد بیان صحنه‌های مربوط به قیامت است قرآن این صحنه‌ها با برداشتن حائل زمان گذشته، حال و آینده را به هم پیوند داده و شکاف میان دنیا و آخرت را برداشته، به گونه‌ای که در برخی موارد فرقی میان آن دو نمی‌بینیم بلکه درمواقعی آخرت را پیش روی خود حاضر می‌بینیم و دنیا را گذشته و طی شده می‌یابیم که این خود در حیات بخشیدن به صحنه‌ها و تاثیرگذاری عمیق بر مخاطب بسیار نقش‌آفرین است (سید قطب، ب، ۳۹-۴۱)

قرآن در بیان بسیاری از حقایق دینی و حالات و روحیات انسانها و آشکار ساختن امور روحی و معنوی از «اصل تجسیم» استفاده نموده به عنوان مثال برای مخاطبان خود در مکه که غالبا ناباوران بودند از تصاویری زنده و گویا که از مظاهر هستی و جلوه‌های طبیعت بهره گرفت. نمونه‌ای از این استدلال‌ها که در قالب تصویری بدیع ارائه شده این است آیات سورهٔ الزمر است «**وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّى إِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ * وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ * وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِّينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ**» (الزمر، ۷۳ـ۷۵) که نشان می‌دهد چگونه نعمات اخروی در تناسب با نعمات دنیوی است.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.4.1]

پس از نمایش عبور دسته جمعی دوزخیان در آیه قبل، نوبت به نمایش عبور بهشتیان می‌رسد. آنانکه تقوا ورزیدند به سوی بهشت به طور گروهی و دسته جمعی سوق داده می‌شوند و درهای بهشت به روی آنان گشوده شده و با سلام و تحیت پاسدارانش مواجه می‌شوند در آنجا و جاویدان خواهند بود. (طباطبایی، ۱۸/ ۳۵۱) و در ادامه، تکمیل این نمایش ادامه می‌یابد: «**وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِّينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ...**» و فرشتگان را می‌بینی که از اطراف عرش آمدند و ... بنابراین فضای بیانی به‌گونه‌ای است که گویی انسان نظاره‌گر این صحنه‌هاست و همه جزئیات درونش با نظام خاصی روبروی هم قرار دارد به گونه‌ای که هیچ‌گونه نیازی به توضیح و بیان نیست. (قطب،ب، ۹۴-۹۵)

تشبیهات بسیاری که در آیات الجنه سوره‌های مکی وجود دارد[۱] نظیر آیه «کأمثال اللولو المکنون» در سوره واقعه مثال مناسبی در این رابطه است به دلیل وجود حرف «کاف» که از ادات تشبیه است یعنی: مانند مروارید پنهان در صدف. که با توجه به آیه قبل از خود «و حور عین»، صفت زنان بهشتی و نشانه پاکدامنی آنها است.

همچنین در تعابیر مصوّر قرآنی جلوه‌های زیبایی از افاضه حیات به جمادات را می‌توان مشاهده نمود. به گونه‌ای که تمامی پدیده‌ها و مظاهر هستی را در برابر خود به صورت موجوداتی زنده می‌بینیم که همچون انسان از شعور و احساس برخوردارند. به عنوان نمونه: «**وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ**» (الشعراء، ۹۰)، «**وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ**» (ق، ۳۱)؛ در این دو آیه بهشت به متقین نزدیک می‌شود و گویا انسان یا موجودی است که حرکت می‌کند.

از جلوه‌های هنری قرآن کریم، تصاویر خیال پرور آن است که به وسیله آن «حقایق و واقعیت‌های محسوس» یا «امور روحی و غیبی» به شیوه‌ای هنری و جذاب ارائه می‌گردد. (عمید، ۱/ ۱۵۰۴؛ محمد قاسمی، ۱۳۸۶ ۷۲) تخییل در بیشتر آیات الجنه وجود دارد. برای مثال: «و ماء مسکوب» به معنی آبی ریزنده که آبشارهای بهشتی را به تصویر کشیده است.یا آیات: «**إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغُلٍ فَاكِهُونَ * هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأَرَائِكِ**

---

۱. «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ* فِي جَنَّاتٍ وَ عُيُونٍ* يَلْبَسُونَ مِنْ سُنْدُسٍ وَ إِسْتَبْرَقٍ مُتَقَابِلِينَ» (دخان، ۵۱-۵۳)

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.4.1]

مُتَّكِئُونَ * لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَلَهُمْ مَا يَدَّعُونَ * سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبٍّ رَحِيمٍ (یس، ۵۵-۵۸) حکایت از سخنانی است که در آن روز به آنان گفته می‌شود و به چنین شیوه‌ای، تصویر رساتری از موعود ارائه می‌دهد و در جان مخاطبان تأثیر افزون‌تری می‌گذارد و آنان را بیشتر ترغیب می‌کند که به آن و نتیجه‌هایش گرایش داشته باشند. «فی شُغُلٍ»: به کدامین کار، در کاری وصف ناپذیر. (زمخشری، ۳۲/۴)

تصویرپردازی در قرآن تنها به فنون بلاغی همچون تشبیه، استعاره، مجاز و ... محدود نمی‌شود. بلکه تصاویر قرآنی از عناصری گوناگون مانند نغمهٔ کلمات و موسیقی جملات، توصیف دقیق، محاوره و گفتگو، تقابل و رویاروئی صحنه‌ها و مانند آن ترکیب یافته، که چشم و گوش انسان را از صحنه‌ها و نغمه‌های روح پرور خود پر می‌سازند و حس و خیال آدمی را برمی‌انگیزاند و فکر و اندیشه بشر را به تکاپو وامی‌دارند. (عبدالعال، ۴۳؛ عتر، ۲۲۶) و گاه مضمون یک امر و حقیقت آن، جز با تصویرگری نمود پیدا نمی‌کند و به همین دلیل است که می‌توان آن را مناسب‌ترین روش در آشکار نمودن مقصود و تأثیرگذاری بر مخاطب دانست. (یاسوف، ۱۱۲)

«مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى وَلَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ» (محمد، ۱۵) عبارت « مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ»، در ظاهر مثبت، اما از جهت معنی منفی برای نفی و انکار است، زیرا در حکم سخنی است که در آغاز آن حرف انکار آمده باشد و در جایگاه آن قرار گرفته و به سِلک (نوع) آن درآمده باشد و آن همان عبارت «أَفَمَنْ كَانَ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ كَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ» (محمد، ۱۴) است و گویا می‌فرماید: «أمثل الجنّة کمن هو خالد فی النّار»؛ مانند کیفر کسی که در دوزخ جاودانه خواهد بود. نیاوردن حرف انکار در عبارت این فایده را دارد که ستیز کسی را که اهل برهان را با پیروان هوای نفس برابر می‌دانند، بهتر به تصویر می‌کشد و او به کسی می‌ماند که بهشتی را که این رودها در آن روان هستند، با دوزخی برابر می‌داند که باشندگانش آب جوش می‌نوشند.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.4.1]

«مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ» چنان که مزه شیرهای دنیا تغییر می‌کند و آن شیر بهشتی زبان گز و ترشیده نمی‌شود و مزه‌های ناخوشایند به خود نمی‌پذیرد. «لذّة» مونث «لذة» به معنای لذیذ است، یا این که به مصدر وصف شده است. قاریان آن را به سه حرکت خوانده‌اند: جر بنا بر آنکه صفت خمر، رفع بنابر آن که صفت أنهار و نصب بنا بر آن که علت باشد که در فرض اخیر یعنی: برای لذت بردن نوشندگان. معنای عبارت چنین است: آن هیچ یک از آفات شراب دنیوی را ندارد. همچنین عسل «مصفّی» از شکم زنبوران بیرون نیامده تا آمیخته به موم و امثال آن باشد. «ماء حمیما» مفسران گفته‌اند: «هرگاه به آنان نزدیک آورند، چهره‌هایشان از آن می‌گدازد و پوست سرشان کنده می‌شود و هرگاه آن را بنوشند، دل و روده آنان از بین می‌رود». (زمخشری، ۴/ ۳۹۷-۳۹۸)

همچنین تصویرسازی در آیه «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (التحریم، ۱۱)

آوردن «عندک» و «فی الجنّة» برآن دلالت داردکه خدا خواست که او را به رحمت خویش نزدیک و از عذاب دشمنانش دور بدارد، آنگاه مکان قرب و نزدیکی را با «فی الجنّة» بیان داشت و یا اینکه قصدش درخواست مراقبت بالاتر در بهشت بود و جایگاهش در بهشتی باشد که به عرش نزدیکتر است، یعنی: «جنّات المأوی» است. آیات الجنّه، ویژگیهای فراحسی بهشت را در قالب مثال‌ها و تصویرهای را آورده که آن را از حالت مجرد خارج می‌کند. تصویرپردازی آیات الجنّه به گونه‌ای است که شنونده همه این صحنه را به مدد خیال می‌بیند و نتیجه‌گیری از این پرده‌های دل‌انگیز به بهترین وجه صورت می‌گیرد.

یکی از مؤلفه‌های سطح تصویر پردازی تشبیه است. تشبیه تصویری فنی است که معنا را در خیال و در قالب مثال مجسّم می‌کند. (مطرقی، ۱۱۶) این سطح تصویر پردازی را در آیاتی از سوره‌های مدنی می‌توان به وضوح مشاهده کرد: «مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ أُكُلُهَا دَائِمٌ وَظِلُّهَا تِلْكَ عُقْبَى الَّذِينَ اتَّقَوْا وَعُقْبَى الْكَافِرِينَ النَّارُ» (الرعد، ۳۵) «اکلها دائم» مانند عبارت «لَا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ» (الواقعه، ۳۳). «و ظلها»

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.4.1]

پایدار است و از بین نمی‌رود و مانند سایه دنیایی نیست که به محض رسیدن نور آفتاب بـه آن از بین می‌رود. (زمخشری، ۶۸۱/۲-۶۸۲)

یکی دیگر از مؤلفه‌های سطح تصویر پردازی استعاره اسـت. (داد، ۲۸) اسـتعاره نـوعی آرایه ادبی برای بکار بردن لفظ یا عبارتی به جای عبارت دیگر بر اساس شباهت بین ایـن دو است. (مطرقی، ۱۱۷) «**وَيُـدْخِلُهُمُ الْجَنّـةَ عَرَّفَهَـا لَهُـمْ**» (محمـد، ۶) «عرفهـا لهـم»: آن را برایشان معلوم داشت و به گونه‌ای آشکار ساخت کـه هـر کـس بـا آن منزلـت و جایگـاه خودش را در بهشت می‌داند. یا اینکه از «عرف» به معنای بـوی خـوش و خـوش آراسـتن است. (زمخشری، ۳۹۳/۴-۳۹۴)

تجسیم بخشیدن در آیات الجنه سوره‌های مدنی مانند: «**قُـلْ أَؤُنَبِّـئُكُمْ بِخَيْـرٍ مِـنْ ذَلِكُـمْ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَرِضْـوَانٌ مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ**» (آل‌عمران، ۱۵)

با توجه به آنچه در آیه قبل در باره اشیاء مورد علاقه انسان در زندگی مادی دنیا آمده بود در اینجا در یک مقایسه، اشاره به مواهـب فـوق العـاده خداونـد در جهـان آخـرت و بالاخره قوس صعودی تکامل انسان کرده، می‌فرماید: «بگو: آیا شما را از چیزی آگـاه کـنم که از این (سرمایه‌های مادی) بهتر است (قل أ أنبئکم بخیر من ذلکم)». (مکارم، ۴۶۰/۲)

تشخیص در آیات الجنه سوره‌های مدنی به طور مثـال: «**عَيْنًـا يَشْـرَبُ بِهَـا عِبَـادُ اللَّـهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيراً**» (انسان، ۶)؛ در این آیه مؤمنان چشمه‌های بهشـتی را جـاری مـی‌سـازند یعنی بهشتیان فرمان شکافتن می‌دهند و چشمه‌ها مانند انسـان، ایـن فرمـان داده شـده بـه خودشان را انجام می‌دهند و جاری می‌شوند.

نکتهٔ دیگر در آیات‌الجنّه، تکرار عبارت «جنّاتٍ تَجری مِن تَحتها الانهـار» اسـت کـه از عوامل ایجاد توازن و در نتیجه قاعده‌افزایی و برجسته‌سـازی اسـت. (صفوی،۱۵۰) تکرار، علاوه بر آنکه یکی از عوامل مهم موسیقایی و نظم آهنگ است و نـوعی از تـوازن را بـه وجـود می‌آورد (شفیعی کدکنی، ۹۹) با هر تکـراری، تمـام ویژگـی‌هـای بهشـت در ذهـن

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.4.1]

مخاطب، تداعی می‌شود. زیرا تکرار از جمله شاخصه‌های سبک ادبی است که عامل بسیار مهمی در انسجام بخشیدن به متن و بهترین شیوه برای القای مفاهیم به مخاطب است.

٤. تحلیل مضمونی آیات‌الجنّه در سوره‌های مکیّ و مدنی

مضمون[1] که گاهی از آن به درونمایه تعبیر می‌شود در لغت به معنی درمیان گرفته شده و آنچه از کلام و عبارت مفهوم شود، به تعبیر دیگر فکر اصلی و مسلط در هر اثری است. بنابراین، اساسِ مضمون، هویت پنهان و تلویحی آن است که در زیر پوشش‌ها، ساخت‌ها و ظواهر متفاوت به شکلی نهفته وجود دارد و رسالت تحلیل مضمونی، یافتن این هویت پنهانی است. (داد، ۲۱۹)

در رابطه با ابعاد مختلف مضمونی آیات‌الجنّه، از آنجا که فضای نزول آیات قرآن با محتوای آنها تأثیر متقابل دارد کشف فضای نزول بر پایه تعامل و ارتباط فعال و سازنده قرآن با جامعه نزول، می‌تواند بعضی از حقایق تاریخی، فرهنگی، مدیریتی و ... را روشن سازد و برخی ابهامات تفسیری و علمی را برطرف کند. (سلمان‌زاده، ۲)

پرداختن به احوالات مختلف انسانها در قیامت محور اصلی سوره‌های مکّی است که در هر سوره به شکلی خاص عنوان شده است (لسانی، ۱۳۲) در مکه دعوت پیامبر(ص) غالبا «انذار و تبشیر» بوده که بحث تبشیر با آیات‌الجنّه هم راستاست. در همه سور مکّی عنصر مشترکی را می‌توان یافت که در واقع، تبیین نعمات بهشتی است و در هر سوره‌ای با رویکردی خاص به این غرض پرداخته شده است. اما در مدینه محتوی «رسالت» در راستای ساخت ایدئولوژی جامعه جدید تغییر است. (کریمی‌نیا، ۱۴۸) بنابراین در آیات الجنه مدنی، تأکید زیادی بر محتوای آیات وجود دارد که بستر مناسبی برای توانمند شدن دولت اسلامی و رشد فکری و معنوی مسلمانان بود. واژگان مشترک در توصیف آیات‌الجنّه، دلیلی برای کشف موضوعات و مفاهیم مشترک در بین این سور است. عبارت مشترکی که در میان سوره‌های مدنی به چشم می‌خورد «جنات تجری من تحتها

1. contents

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.4.1]

الانهار» است و این خود حلقه اتصالی را میان این سور برقرار کـــرده اســـت و مـی‌توانـد بیانگر این نکته باشد که ورود به بهشت و جایگاه نیکان، شرایط و لوازم گوناگونی دارد کـه در این قبیل آیات به آنها اشاره شده است.

از آنجا که محور اساسی محتوای سوره‌های مکّی، تبیین اصول سه‌گانـهٔ دیـن اسـت در وصف معاد مضامین آیات الجنه مکّی بیشـتر نـاظر بـه نعمـات مـادی اسـت و ایـن قبیـل توصیفات از فراوانی و تکرار بیشتری در مقایسه با سور مدنی برخـوردار هسـتند. امـا در آیات الجنّه مدنی ابعاد معنوی نمود بیشتری دارد. عبارت‌های کلی مانند: خشنودی خداوند (آل‌عمران، ۱۵)، بخشایش و آمرزش (آل‌عمران، ۱۳۶)، زدودن بـدی‌هـا (آل‌عمـران، ۱۹۵؛ فتح، ۵)، محافظت الهی در برابر سختی روز مصیبت‌بار (انسان، ۱۱) حاکی از ابعـاد معنـوی نعمات بهشتی است در حالیکه در آیات‌الجنّه مکی این امور معنوی به گونه‌ای مجمـل بیـان شده است مثلاً در آیه ۲۶ سورهٔ یونس به نیکوکاران، «الحسنی» و «زیاده» وعـده داده شـده که «الحُسنی» به معنای بهشت و «زیاده» به معنای دیدار وجه خداونـد تفسـیر شـده اسـت. (راغب اصفهانی، ۳۸۶) از آیاتی که به فرجام شهدا اشاره دارد ابعاد بیشتری از لـذت‌هـای معنوی را می‌توان استنباط کرد. (آل‌عمران، ۱۶۹-۱۷۱)

در بُعد مضمونی، توصییف معاشران و همراهان در بهشت در سه سطح ارائه شده اسـت. اولین سطح «حورالعین» است که بیانگر طرز تفکر در جامعه مکـی اسـت. در طـول دوران مکه، قرآن، درون یک جامعه مرد سالار سخن گفته و به هنگام ترغیب آنها به دیدگاهشـان توجه داشته است. سطح دوم که در مدینه ترسیم شده اسـت مـدل عملـی زنـدگی جامعـه اسلامی را نشان می‌دهد و از واژه «زوج» استفاده شده است. در سطح سـوم، قـرآن هـر دو لفظ «حورالعین» و «زوج» را تعالی داده و معاشرتی برتر از این امور را بیان می‌دارد.

وقتی حکومت اسلامی در مدینه پایه‌گذاری شد و جمعیت مسلمانان افزایش یافت قرآن از اصطلاحات کلی و عمومی استفاده کرد. مثلاً در آیه (آل عمران، ۱۵) منظـور از مومنـان در این آیه هم زنان و هم مردان است. به‌خصوص آنجا که واژه «زوج» را برای هر دو آنهـا به کار می‌رود. کاربرد قرآنی عبارت «**أَنْتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ**» (الزخرف،۷۰) در ارتباط بـا

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.4.1]

جهان آخرت به نگاه دقیق‌تری نیاز دارد. زیرا می‌تواند به معنای «شما و هرکسی است که به خاطر طبیعت، اعمال، اعتقاد و... شبیه و جفت شماست» باشد. در نهایت در دوره مدینه، استفاده از واژه «زوج» و «ازواج» برای معاشران و همراهانی است که در بهشت منتظر مومنان هستند، به معنای جفت و همتایی ضروری است. (البقره، ۲۵؛ آل عمران، ۱۵؛ النساء، ۵۷)» (ودود، ۱۳۷– ۱۳۸)

لذا هر کابردی از کلمه «زوج» مساوی «حوری» نیست. به ویژه در آیاتی که این دو کلمه در کنارهم قرار دارند مانند (الدخان،۵۴). همچنین واژه «زوّج» به معنای «به همدیگر پیوستن» یا «با هم جورشدن» سبب نمی‌شود که این دو واژه یکسان فرض شود.

قرآن بهشت را با جزئیات عالی‌تر از دیگر پدیده‌های غیب نمایش می‌دهد. اگر چه در اسلوب آیات قرآن، دیدگاههای مردم عصر نزول دیده می‌شود اما پیام ابدی قرآن محدود به این جامعه نمی‌گردد. ارزش‌هایی که قرآن به آنها اشاره می‌کند بالاتر از معانی زبانی و لغوی است. به این ترتیب توصیف بهشت برای مخاطبان اولیه عصر مکه، حورالعین باشد. اما توصیف قرآن از معاشران و همراهان بهشتی باید براساس نظام کامل عدالت و هدف هدایت جهانی آن و توصیفات ارائه شده از منظر خداوند دیده شود. (ودود، ۱۴۱)

در رابطه با آیات الجنه، خداوند متعال از عناصر مورد شناخت عربها برای تبیین بهشت و منزلگاه مومنان استفاده کرده اما در عین حال این چنین نیست که به امور مانوس عربها بسنده کرده باشد بلکه با اسلوبهای مختلف و به کارگیری تشبیهاتی که در هر عصر و زمان دلنوازی و کشش ویژه‌ای دارد به آیات قرآن جلوه‌ای فرازمانی داده است.

مهمترین مضمونی که در این آیات، مشهود است، مضمون بشارت و نوید امید آفرین است که وزن و آهنگ مناسب خود را در آیات یافته است.

٤. نتایج مقاله

۱. قرآن کریم علاوه بر کاربرد عناصر مورد شناخت عربها در آیات الجنّه با اسلوبهای مختلف به آیات قرآن جلوه‌ای فرا زمانی داده است. تحلیل سطوح مختلف ساختاری

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.4.1]

آیات‌الجنّه حاکی از آن است که سرّ اصلی تفاوت در مضامین سور مکّی و مدنی قرآن کریم، تمایز زمانی و تاریخی نزول آیات است و مکانهای جغرافیایی، تأثیر کمتری دارد. هدف اصلی وحی، در مرحلهٔ انذار و دوران مکّی، اثرگذاری است لذا آیات، موزون و آهنگین و با ترسیم جزئیات حیات مومنان به تصویر در می‌آید. اما در مرحله رسالت و دوران مدنی به امری فراتر از اثرگذاری نیازمند است و بیان بسترها، عوامل و زمین های ورود به بهشت و بهره‌مندی از نعمات آن بر جنبهٔ اثرگذاری، غلبه دارد.

۲. با آنکه اعجاز فصاحت و بلاغت به همه سوره‌های قرآن تعلق دارد، در عین حال سوره‌های مکی از نظر موازین ادبی مانند سجع، آهنگ پذیری، نثر فنی و ... با سوره‌های مدنی فرق دارد. سطح آوایی در سوره‌های مکی از نظم آهنگ بیشتری برخوردار است، همچنین در سطح واژگانی، آیات الجنّه مکی از تنوع و بلاغت بیشتری برخوردانـد اما در سطح تصویرپردازی، آیات مدنی، پیشتاز است. این تفاوت‌ها در راستای انسجام معنایی قرآن قابل تبیین است به این صورت که در دوران مکی، آیات‌الجنّه برای تاثیرگذاری بیشتر در اذهان و اندیشهٔ مخاطبان، کوتاه و آهنگین و نیز همراه با تنوع واژگان است. اما در دوران مدنی، قرآن کریم علاوه بر ترسیم جلوه‌هایی جدید از بهشت با بهره‌گیری از از عنصر تکرار، تمام ویژگی‌های قبلی هم تداعی می‌شود.

۳. آیات الجنّه مکّی و مدنی، به صورت توأمان، تکمیل کنندهٔ تصویر بهشت و توصیف ویژگی‌های آن با حسی نوید آفرین است، تصویرهایی که از مبدأ واحدی سرچشمه گرفته و با بیانی شگفت، اندیشهٔ مخاطب را در همان فضاها سیر می‌دهد.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.4.1]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم

۲. ابن‌منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.

۳. ابن‌فارس، احمد، معجم مقاییس اللغه، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۰ ق .

۴. اخلاقی، اکبر، تحلیل ساختاری منطق الطیر عطار، اصفهان، انتشارات نقش خورشید، چاپ اول، ۱۳۷۷.

۵. اسکولز، رابرت، درآمدی بر ساختارگرایی در ادبیات، ترجمهٔ فرزانه طاهری، ناشر آگاه. چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۳.

۶. امامی، نصرالله، ساخت گرایی و نقد ساختاری، اهواز، نشر رسش، چاپ اول، ۱۳۸۲.

۷. انصاری، نرگس، شمس الدینی، اعظم، تحلیل ساختاری متن سوره الحاقه، دو فصلنامه علمی–پژوهشی پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، شماره دهم، ۱۳۹۶.

۸. باقری، مهری، مقدمات زبان شناسی، تهران، نشر قطره، ۱۳۷۸.

۹. بدوی، احمد احمد، من بلاغه القرآن، قاهره، نهضه مصر، ۲۰۰۵م.

۱۰. جاحظ، عمرو بن بحر، البیان و التبیین، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۳ق.

۱۱. جوادی آملی، عبدالله، معاد در قرآن، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ چهارم، ۱۳۸۷.

۱۲. داد، سیما، فرهنگ اصطلاحات ادبی، تهران، مروارید، چاپ چهارم، ۱۳۷۸.

۱۳. الدسوقی، محمود، الفکر الاستشراقی، تاریخه وتقویمه، بیروت، موسسه التوحید للنشر الثقافی، ۱۴۱۶ق،

۱۴. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۴.

۱۵. رضایی اصفهانی، محمد علی، «قرآن و فرهنگ زمانه»، مجله معرفت، شماره ۲۶، ۱۳۷۷ش.

۱۶. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف، مترجم انصاری، مسعود، انتشارات ققنوس، ۱۳۸۹.

۱۷. زنجانی، ابو عبدالله، تاریخ القرآن، تهران، منظمه الاعلام الاسلامی ،۱۴۰۴.

۱۸. سلطانی، مهدی، نظم آهنگ قرآن از منظر آیت الله معرفت، ۱۳۹۴، سایت راسخون (https: // rasekhoon. Net/ article)

۱۹. السکاکی، محمدبن‌علی، مفتاح العلوم، الطبعه الاولی بتحقیق اکرم عثمان یوسف، بغداد، دار الرساله، ۱۹۸۱م.

۲۰. سید قطب، فی ظلال القرآن، الف، قاهره: دارالشروق، ۱۴۰۸ ق.ال

۲۱. همو، ب، آفرینش هنری در قرآن، ترجمه محمد مهدی فولادوند، انتشارات بنیاد، تهران، ۱۳۵۹.

۲۲. سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، مترجم حائری قزوینی، مهدی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۰.

۲۳. شاکر، محمد کاظم، علوم قرآنی، قم، انتشارات دانشگاه قم، ۱۳۹۴.

۲۴. شفیعی کدکنی، محمدرضا، موسیقی شعر، تهران، نشر آگاه، ۱۳۸۸.

۲۵. صفوی، کوروش، از زبانشناسی به ادبیات، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، ۱۳۸۰.

۲۶. طالبتاش، عبدالمجید، پژوهشی نو در باب اعجاز قرآن، سرافراز، کرج، ۱۳۹۴ش.

۲۷. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، مترجم: نوری همدانی، حسین، بهشتی، احمد، رسولی، هاشم، نجفی، ضیاءالدین، تهران: فراهانی، بی‌تا.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.4.1]

۲۸. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم: موسوی، محمدباقر، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.
۲۹. عبدالباقی، محمد فؤاد، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن، بی‌تا.
۳۰. عسکری، مرتضی، القرآن الکریم و روایات المدرستین، تهران، المجمع العلمی الاسلامی، ۱۴۱۵ ق.
۳۱. علوی، یحیی بن حمزه، الطراز، مکتبه المقتطف، ۱۳۳۲ ق.
۳۲. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران، ۱۳۷۹.
۳۳. فائز، قاسم، بررسی نظریه آیات مستثنیات سور مکی و مدنی، علوم قرآن و حدیث، مطالعات تفسیری، سال دوم، شماره ۸، ۱۳۹۰.
۳۴. قرشی بنابی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰.
۳۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، تهران، اسوه، ۱۴۱۴ ق.
۳۶. فقهی‌زاده، عبدالهادی، پژوهشی در نظم قرآن، تهران: جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۴.
۳۷. فقیه، حسین، قرآن و فرهنگ عصر نزول، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، ۱۳۹۱ش،
۳۸. کریمی، مصطفی، وحی شناسی ،قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، ۱۳۸۷ش.
۳۹. لسانی، محمد علی، سوره شناسی، قم، نصایح، ۱۳۹۴ش.
۴۰. مهاجر، مهران و نبوی، محمد، زبانشناسی و شعر، تهران، نشر مرکز،۱۳۶۷.
۴۱. محمد قاسمی، حمید، روش‌مندی قرآن در خلق صحنه‌های زنده و جذاب، علوم قرآن و حدیث، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال هفتم، شماره ۱۴، ۱۳۸۹.
۴۲. محکی، علی اصغر؛ سوزن چی کاشانی، راضیه، «نشانه شناسی نمادهای بهشت در قرآن کریم»، مجله مدیریت فرهنگی، شماره ۱۵، ۱۳۹۱.
۴۳. مطرقی، عبد الحلیم، ویژگی‌های محتوایی و ساختاری قرآن و تأثیر آن در اقناع مخاطب، نشریه کتاب و سنت، دانشگاه قرآن و حدیث، مرکز آموزش الکترونیکی، شماره ۴، ۱۳۹۴.
۴۴. معارف، مجید، نجار زادگان، فتح الله، مهدوی راد، محمد علی، علوم قرآنی (وحی، اعجاز، تحریف ناپذیری)، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، ۱۳۹۶.
۴۵. معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، قم، موسسه التمهید، ۱۳۸۶.
۴۶. مغنیه، محمد جواد، الکاشف، مترجم دانش، موسی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۷۸.
۴۷. مکارم، ناصر، تفسیرنمونه،قم، دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۷۱.
۴۸. میر، مستنصر، پیوستگی سوره تحولی در تفسیر قرآن در قرن بیستم، آینه پژوهش، شماره ۱۰۷و۱۰۸، ۱۳۸۶ .
۴۹. هاشمی، احمد، جواهر البلاغه فی المعانی والبان والبدیع، بیروت، المکتبه العصریه، ۱۹۹۹ م.
۵۰. ودود، آمنه، نقد و ترجمه قرآن و زن (باز خوانی و تفسیر متن مقدس، قرآن مجید از منظر یک زن)، مترجم: آقا گل زاده، فردوس، بهادری، آتنا، نقد: روحی، کاوس، تهران: نشر علمی، ۱۳۹۴.
۵۱. یاسوف، احمد، جمالیات المفرده القرآنیه، دمشق، ۱۴۱۹ ق.
۵۲. بلاوی، رسول؛ غفوری‌فر، محمد؛ اطاقی، میثاق، تصویرپردازی هنری آیات بهشت و جهنم در قرآن کریم، مجله قرآنی کوثر، شماره ۵۸، ۱۳۹۵.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]
[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.4.1]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.4.1]
[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.4.1]
[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]